تأملی بر کارکردشناسی درفش‌های دوره‌ی صفوی

میترا شاطری
shateri.mitra@lit.sku.ac.ir
استادیار دانشگاه شهرکرد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۰۵
(از ص ۱۶۳ تا ۱۷۶)

چکیده
درفش‌ها، تنها تکه‌پارچه‌هایی در اهتزاز نبوده و نیستند. آن‌چه از روزگاران کهن این اشیاء را از اشیاء هم‌جنس، هم‌رنگ و هم‌نقش خود متمایز می‌کند، کارکرد این اشیاء است. درفش‌ها و رایت‌ها در هر دوره کارکردهای متفاوتی همچون نظامی، مذهبی، قومی-قبیله‌ای یا اقتصادی داشته‌اند. در هر صورت، درفش‌ها نموداری هستند از عقاید، تفکرات، اهداف، ایدئولوژی و جهان‌بینی دارندگان خود، لذا نمادهای تصویری و اجزاء مختلف آن در عین سادگی و وضوح، می‌بایستی انتقال‌دهنده‌ی مفاهیم اصلی عقاید، اهداف و نظرات دارندگان آن باشند. به‌همین دلیل می‌توان با بررسی دقیق‌تر درفش‌ها، اجزای متشکله و نمادهای به‌کار رفته بر آن‌ها در هر دوره، به‌اطلاعات جامعی در مورد مبانی و ساختار نظامی، سیاسی، مذهبی، طبقاتی و اجتماعی موجود در آن دوره دست‌یافت؛ جنبه‌ای که در مطالعات اخیر کمتر بدان پرداخته شده است. در میان برخی از اسناد و متون بر جامانده از دوره‌ی صفویه اشاراتی به انواع درفش‌ها و رایت‌های این دوره شده که نسبت به دوره‌های دیگر تاریخی از کمیت و کیفیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار هستند. در کنار اسناد و متون؛ آثار و مدارک باستان‌شناختی همچون انواع نگاره‌های مرتبط با نسخ‌خطی، دیوارنگاره‌ها، مرقعات، سکه‌ها، سردرفش‌ها و یا معدود بافت‌های برجامانده نیز در راستای شناخت و آگاهی بیشتر درفش‌های این دوره و دسته‌بندی آن‌ها کارآمد هستند. سعی نگارنده بر آن بوده تا با تکیه بر مکتوبات و آثار باستان‌شناختی برجا مانده از دوره‌ی صفوی، طبقه‌بندی جامعی از انواع رایت‌ها و کارکردهای آنان ارائه نماید؛ لذا پژوهش حاضر بر مبنای روش یافته‌اندوزی و از طریق پژوهش کتابخانه‌ای و میدانی و تلفیق این دو به صورت توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان‌دهنده‌ی استفاده از رایت‌های مختلف در این دوره با کارکردهای مختلف سیاسی، نظامی، مذهبی، تجاری، سلطنتی و قومی-قبیله‌ای با فرم‌ها و نقوش مختلف است.

کلیدواژگان: درفش، پرچم، کارکرد، صفوی، کتل، شیر و خورشید.

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

دوره‌ی صفوی در میان ادوار اسلامی ایران، دوره‌ای شاخص به‌شمار می‌آید. از ویژگی‌های بارز این دوره می‌توان به اقتدار قابل‌توجه سیاسی-نظامی و اقتصادی در عرصه‌های بین‌المللی، توانمندی حکومت مرکزی، رسمی شدن آیین تشیع، گسترش و شکوفایی شاخه‌های مختلف علوم و فنون، هنرها، صنایع و ادبیات؛ همچنین افزایش نسبی سطح رفاه اجتماعی و فرهنگی مردم اشاره کرد.

از دیرباز، پرچم[1] یکی از نمادهای هویتی مهم در وحدت و یکپارچگی اقوام و ملت‌ها، قبایل و یا گروه‌های سیاسی نظامی که دارای جهان‌بینی واحدی بوده‌اند، به‌شمار می‌رفته است. در هر دوره‌ی تاریخی به اقتضای شرایط سیاسی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و یا حتی اقتصادی؛ نمادهای تصویری ویژه‌ای برای نشاندن بر درفش‌ها انتخاب می‌شد، در این میان حتی اجزاء فرعی‌تر درفش چون میله یا سردرفش نیز نمادین انتخاب می‌شده‌اند. نقوش یا عبارات نقش‌شده بر صفحه‌ی درفش، نشان‌دهنده‌ی اعتقاد و جهان‌بینی دارندگان درفش است، لذا بررسی و مطالعه‌ی ویژگی‌های درفش هر دوره کمک شایانی به شناخت هرچه بهتر و عمیق‌تر جنبه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، نظامی و اجتماعی آن دوره می‌نماید. خوشبختانه دوره‌ی صفوی از دوره‌های منحصر به‌فرد تاریخی در ایران از نظر تنوع اسناد، مدارک و آثار برجامانده است؛ لذا می‌توان با تفحص در این آثار و کمک گرفتن از اسناد برجامانده، انواع درفش این دوره را بازسازی کرده و نه‌تنها به مطالعه‌ی ویژگی‌های آن از منظر کارکرد پرداخت، بلکه می‌توان به طبقه‌بندی جامع درفش‌های این دوره از منظر ریخت‌شناسی و نمادشناسی نیز اقدام نمود و بدین‌ترتیب به شناخت مؤثرتری از نظام سیاسی-نظامی، مذهبی، فرهنگی و اقتصادی این دوره دست پیدا کرد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، با تکیه بر اسناد و منابع مکتوب و با در نظر گرفتن آثار برجا مانده از دوره‌ی صفوی در همه‌ی سطوح، و با طبقه‌بندی جامع از انواع رایت‌ها، کارکردها و نقوش آن‌ها بر مبنای روش یافته‌اندوزی و از طریق پژوهش کتابخانه‌ای و میدانی و تلفیق این دو به صورت توصیفی-تحلیلی به نگارش درآمده است.

پیشینه‌ی پژوهش

اسناد و مدارک مکتوب و غیرمکتوب دوره‌ی صفوی نسبت به دوره‌های تاریخی پیش از آن، بیشتر و در دسترس‌تر هستند، اما همین تنوع زیاد و پراکندگی منابع سبب شده تا پژوهش بر روی رایت‌های این دوره، کاری صعب تلقی شده و از حد چندین مقاله و اشاراتی گذرا با تأکید بر نقش شیر و خورشید یا به‌صورت موردی در آثار محمدعلی جمال‌زاده با مقاله‌ی «بیرق‌های ایران در دوره‌ی صفویه در موزه کرونبورگ» (جمال‌زاده، ۱۳۲۷)، حمید نیرنوری در مقالات «تاریخچه‌ی بیرق ایران و شیر و خورشید» (نیرنوری، ۱۳۴۴) و «تاریخچه تحول پرچم ایران» (نیرنوری، ۱۳۲۸)، سعید نفیسی در مقاله‌ی «شیر و خورشید» (نفیسی، ۱۳۲۸)، نصرت‌الله بختورتاش در مقاله‌ی «پرچم و پیکره شیر و خورشید» (بختورتاش، ۱۳۴۸) تجاوز ننماید. این در

Archive of SID

www.SID.ir

حالی است که مقالات یاد شده که از نگارش آن‌ها بیش از نیم‌قرن می‌گذرد، کاملاً توصیفی و تکرار مکررات بوده و هر یک بر اساس مدارک انگشت‌شمار و محدودی به نگارش درآمده‌اند و در تمامی آنان بررسی و مطالعه‌ی یکی از مهم‌ترین اسناد، یعنی انواع نگاره‌ها، کاملاً نادیده انگاشته شده و بدان توجهی نشده است؛ لذا نگارنده در این پژوهش سعی نموده تا با بررسی و تطبیق مکتوبات دوره‌ی صفوی با آثار متنوع برجامانده از این دوره و با ارائه گونه‌شناسی رایت‌های این دوره بر اساس کارکرد و نقش، تصویری روشن از انواع رایت‌های دوره‌ی صفوی ارائه نماید.

درفش‌های دوره‌ی صفوی از نظر کارکرد

در میان آثار مکتوب برجامانده از دوره‌ی صفویه؛ نوشته‌های سفرنامه‌نویسان داخلی و خارجی، تواریخ عمومی یا محلی و متون ادبی و اشعار، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ البته نوشته‌های مسافرین و سیاحان اروپایی همچون شاردن (Chardin)، تاورنیه (Tavernier)، هربرت (Herbert)، اولئاریوس (Ol'earius) و کمپفر (Kaempfer) به‌واسطه‌ی ذکر جزئیات، اهمیت ویژه‌ای دارد. آثار این سیاحان حاکی از وجود تنوع درفش‌های این دوره با کارکردهای مختلف است. آثار و بقایای برجامانده‌ی مادی از این دوره با این اطلاعات مطابقت و هم‌خوانی داشته و آنان را تأیید می‌نماید. اطلاعات گردآوری شده در این راستا نشان‌دهنده‌ی وجود انواع درفش با کارکردهای ویژه همچون: سیاسی، نظامی، مذهبی، تجاری، سلطنتی و قومی- محله‌ای است و درفش‌های استفاده شده در هر کارکرد با درفش‌های دیگر از نظر ریخت‌شناسی و نمادهای تصویری به‌کار رفته، متفاوت بوده است. در این بخش به ویژگی‌های کارکردی و ریخت‌شناسی هر گروه پرداخته خواهد شد.

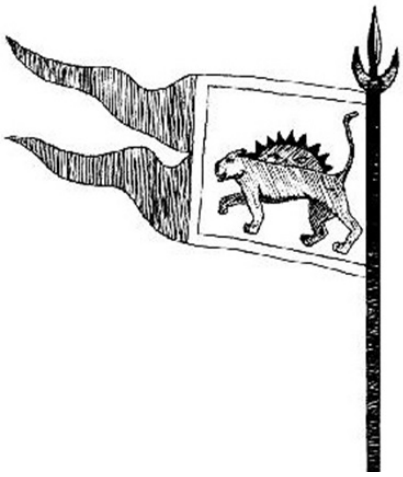

▲ **تصویر ۱. شاهنامه‌ی شمس‌الدین کاشانی، ۸۲۶ هـ.ق. درفش با تصویر شیر و خورشید** (Shahbazi, 1999: fig.18).

درفش‌های سیاسی حکومتی

بی‌شک یکی از مهم‌ترین انواع درفش در این دوره و یا هر دوره‌ی تاریخی دیگری، درفش‌های سیاسی و رسمی است. این درفش‌ها عموماً در روابط دیپلماتیک و بین‌المللی یک حکومت مورد استفاده قرارگرفته و نشان و نماد عظمت و اقتدار یک حکومت بود. مهم‌ترین درفش سیاسی و رسمی دولت صفوی، تصویر شیری نشسته بر خود داشت که خورشیدی درخشان بر پشت آن دیده می‌شد؛ البته این نوع از درفش در دوره‌ی تیموری نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته است (Blochet, 1926: 180)، (تصویر ۱). نقش شیر و خورشید در این دوره نه‌تنها بر روی درفش‌های حکومتی، بلکه بر روی فلوس‌های صفوی و بسیاری از آثار درباری تصویر می‌شده‌است (تاورنیه، بی‌تا: ۳۱۷؛ شاردن، ۱۳۴۵، ج ۹: ۲۵؛ همان، ج ۴: ۳۸۵؛ اولئاریوس، ۱۳۶۳: ۱۱۰؛ Herbert,1928 : 138 ,155- 158, 239)؛ لذا این نقش را می‌توان از نقوش نمادین و حکومتی دربار صفوی دانست. توماس هربرت[۲] در این مورد متذکر می‌شود که این تصویر (شیرنشسته به همراه خورشید بر بالای سر) پیش از تأسیس حکومت صفوی و توسط جدّ آنان انتخاب شده و در دوره‌ی صفوی رواج یافته و حتی از سوی دولت‌های دوست، همچون مغولان هند، به‌عنوان نماد دوستی مورد استفاده قرارمی‌گرفته است (Herbert, 1928: 138, 155-158, 239)، (تصاویر ۲ و ۳).

▲ **تصویر ۲. دوره‌ی مغولان هند، درفش جهانگیر با تصویر شیر و خورشید (۱۰۲۸-۱۰۲۰ هـ.ق.)**، (Foster, 1899).

Archive of SID
www.SID.ir

▲ **تصویر ۳. دوره‌ی مغولان هند، سکه‌ی جهانگیر با تصویر شیر و خورشید، ۱۰۲۸ - ۱۰۲۰هـ.ق.** (Lane, 1892: P. lxxx).

همان‌طور که یاد شد، نقش شیر و خورشید بر روی اشیاء مختلف از جمله رایت‌ها حداقل از قرن نهم هـ.ق. در میان دیگر حکومت‌های ایرانی، به‌ویژه تیموریان رایج بوده است. این نماد در طول حکومت شاهان صفوی همچنان مورد استفاده قرار گرفت (به‌استثنای شاه‌اسماعیل و شاه طهماسب) که این امر را می‌بایست، علاوه‌بر تأثیرات نجومی، با اظهار تشیع صفویان و ارادت به حضرت علی (ع) و لقب آن حضرت یعنی «اسدالله الغالب» و مظهر نور و فر ایزدی بودن خورشید مرتبط دانست (شاطری، ۱۳۷۹: ۱۸۲-۱۷۶؛ ستاری، ۱۳۸۲: ۱۷۹).

کتابی تحت عنوان: *فرستاده‌ی ایران به دربار لوئی چهاردهم* توسط موریس هربرت (M. Herbert) در سال ۱۹۰۷ م. تهیه و چاپ شده است. این کتاب شرح سفر سفیر شاه سلطان‌حسین صفوی (۱۱۰۵- ۱۱۳۵ هـ.ق.) و فرمانروای ایروان به فرانسه و دربار لوئی چهاردهم است. در این کتاب چند تصویر از سفیر حکومت صفوی در حال عبور از خیابان‌ها و کوچه‌های پاریس موجود است. در این تصاویر، پشت سر محمدرضابیک، علمدار باشی، درفشی سه گوش با پیکره‌ی شیری ایستاده به‌چشم می‌خورد که خورشیدی بر بالای آن نقش شده است. این تصاویر که در زمان سفر محمدرضا بیک به تصویر درآمده‌اند، کارکرد سیاسی و رسمی بودن درفش شیر و خورشید در دوره‌ی صفوی را تأیید می نماید. (تصاویر ۴ الف و ب).

همچنین جمال‌زاده در شرح سفر خود از دانمارک در بازدید از موزه‌ی دریایی کرونبورگ (Kronborg) از دو پرده‌ی ابریشمی نام می‌برد که درفش سرزمین‌های مختلف را با جزئیات بر روی آن بافته بوده‌اند. گویا این پرده‌ها در قرن ۱۶ م. بافته شده‌اند. در میان درفش‌های سرزمین‌های متعدد، پنج درفش نیز از ایران بر روی این پرده‌ها بافته شده که یکی از آن‌ها درفش حکومتی شیر و خورشید بوده است (تصویر ۵).

جالب‌توجه آن‌که در نگاره‌ی «نبرد گیو با تورانیان (کردی زره)» در شاهنامه موسوم به شاهنامه‌ی رشیدا که نگاره‌های آن در قرن ۱۱ هـ.ق. نگارگری شده است و امروزه در موزه کاخ گلستان نگهداری می‌شود، دو درفش نقش شده است که یکی از آن دو با سردرفش فلزی«یا الله» در پس‌زمینه‌ای از نقوش اسلیمی، تصویر شیر و خورشید بر خود دارد. دو شاخه‌ی این سردرفش که به دو اژدها ختم شده، بسیار شبیه به نمونه‌ی سردرفش‌های برجامانده از دوره‌ی صفوی است. شیر و خورشید نقش شده بر این درفش، نشانه‌ای از رواج این نماد در دوره‌ی صفوی است (تصویر ۶).

به‌نظر می‌رسد در میان شاهان صفوی، احتمالاً تنها شاه اسماعیل (۹۰۷ تا ۹۳۰ هـ.ق.) است که بر روی درفش و سکه‌ی خود، نقش شیر و خورشید را استفاده نکرده است. دلیل عدم کاربرد این نقش از سوی وی را کسروی، زایچه‌ی این پادشاه دانسته و معتقد است از آن‌جایی‌که طالع شاه‌اسماعیل، برج عقرب بوده است، قراردادن خورشید بر عقرب خوشایند و متناسب نبوده‌است (کسروی، ۱۳۰۹: ۱۸). قاسمی‌گنابادی[1] یکی از شعرای معاصر شاه‌اسماعیل در توصیف درفش حکومتی وی (شاه اسماعیل) به‌کرات، به رنگ سبز (رنگ منتسب به ائمه‌ی معصومین (ع)) و تصویر ماه‌نشان آن اشاره داشته و می‌گوید:

”علم‌های سبزش ستون سپهر مه رایت آئینه ماه و مهر“

(قاسمی‌گنابادی، ۱۳۸۷: ۱۵۴)

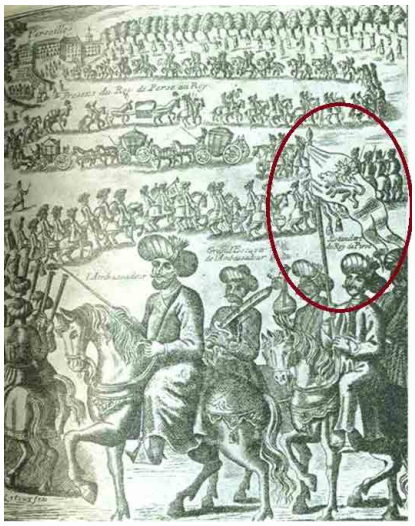

▲ **تصاویر ۴ الف و ب. سفیر صفوی، محمد رضا بیک؛ درفش شیر و خورشیدنشان (نفیسی، ۱۳۲۸: ۷۱ - ۷۰).**

Archive of SID

www.SID.ir

در همین راستا، نیرنوری، نظر کسروی را تأیید کرده و معتقد است، به‌همین دلیل شاه تهماسب نیز بر روی برخی از سکه‌های فلوس خود به‌جای نشاندن خورشید بر پشت شیر؛ خورشید را بر پشت بره‌ای نشاند، زیرا طالع او بر برج حمل یا بره بوده‌است (نیرنوری، ۱۳۴۴: ۱۱۰)، (تصویر ۷).

درفش‌های نظامی و جنگی

روی کارآمدن صفویان حاصل پیروزی در نبردهای بسیاری بود؛ البته نبردها، حتی با تثبیت حکومت آنان نیز پایان نپذیرفت. درفش‌هایی که در این جنگ‌ها به‌کار گرفته می‌شد با درفش‌های سیاسی و حکومتی صفویان متفاوت بود و از آن‌جایی‌که بیشتر جنگ‌های این دوره به بهانه‌ی مبارزه با مذاهب غیر شیعی و گسترش آیین تشیع رُخ می‌داد، درفش‌های نظامی و جنگی طبیعتاً می‌بایست نشان‌دهنده‌ی این مبنای اعتقادی باشد.

متون و اسناد از یک‌سو و آثار برجامانده مرتبط از سویی‌دیگر، نشان‌دهنده‌ی دو نوع مشخص از درفش‌های نظامی–جنگی در این دوره است. یکی درفشی سفیدرنگ با نقش شمشیر دو سر حضرت علی (ع)، پیشوای نخست شیعیان موسوم به ذوالفقار و دیگری درفش‌هایی با آیات مربوط به فتح و نصرت که هر دو نوع بیشتر به شکل سه‌گوش تهیه می‌شده‌اند. بیانی به استناد نوشته‌ی جان فرایر در مورد درفش‌هایی که تصویر ذوالفقار دارند، می‌آورد: «شاه‌اسماعیل علاقه‌ای نداشت که در رأس سپاهیان خود و در زیر درفش ایران که شمشیر خون‌آلوده‌ی نوک‌تیز (منظور نقش ذوالفقار حضرت علی (ع) است) بر روی پارچه سفید که پیوسته پیشاپیش امپراتور حمل می‌شد، به دشمن حمله کند» (بیانی، ۱۳۵۳: ۱۱۲). در همین ارتباط شاردن در بخشی از سفرنامه‌ی خود با تأکید بر اهمیت جایگاه درفش‌داری، به این دو نوع درفش اشاره می‌کند: «درفش‌های آن‌ها نوک باریک می‌باشد و با پارچه‌های گران‌بها ساخته می‌شود. روی این درفش‌ها یا آیه‌ای از قرآن می‌نویسند و یا شمشیر دوسرِ حضرت علی (ع) نقش می‌کنند و یکی از بزرگترین مشاغل دولت ایران شغل عَلَم‌داراباشی است» (Chardin,1928, Vol.V: 485-7).

بر روی درفش‌های دومین گروه، معمولاً بخشی از آیه‌ی ۱۳ سوره‌ی شریفه «صف» یعنی «نصرمن الله و فتح قریب» و یا سوره‌ی «نصر» حک و ترسیم می‌شد که ارتباط مستقیم با طلب فتح و ظفر و جلب نیروهای الهی برای پیروزی در نبرد داشت و به‌همین واسطه این درفش‌ها به «رایات نصرت آیات» یا «رایات فتح» شهرت یافته بود. گاه بر روی این درفش‌ها در کنار آیات یادشده، عبارات یا اسماء الهی همچون «و کفی بالله وکیلا»، «یا رفیع الدرجات» و یا «یا مفتح الابواب» نیز استفاده می‌شد؛ چراکه از دیرباز علائم و کلماتی که روی درفش‌های جنگی نوشته می‌شد نه‌تنها در حکم شعار و پیام لشکر محسوب می‌شد، بلکه اعتقاد بر این بود که این واژه‌ها شانس پیروزی در جنگ و غلبه بر دشمن را مضاعف می‌نماید (صابی، ۱۳۴۶: ۷۲، ۱۵۹). درفش‌های نصرت آیات در تمام مدت حکومت صفویان از آن‌چنان رواجی برخوردار بوده است که در متون و اشعار نیز نشانه‌های آن بسیار زیاد دیده می‌شود. به‌طور مثال میرسنجر، فرزند میرحیدر معمایی، شاعر شهیر هم‌عصر با شاه عباس اول در یکی از مثنویات خود ضمن برشمردن دلاوری‌ها و

▲ تصویر ۵. درفش حکومتی شیر و خورشید دوره‌ی صفوی در موزه‌ی کرونبورگ (جمال‌زاده، ۱۳۴۴: ۱۳).

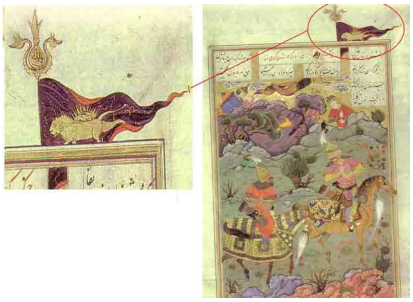

▲ تصویر ۶. شاهنامه‌ی فردوسی موسوم به شاهنامه‌ی رشیدا – جنگ گیو با کردی زره؛ درفش شیر و خورشید (Handschrift, 1988: 147).

▲ تصویر ۷. سکه‌ی فلوس دوره‌ی شاه‌اسماعیل اول با نقش خورشید و بره (مشیری، ۱۳۵۱: تصویر ۱).

Archive of SID

www.SID.ir

رشادت‌های شاه عباس در نبردها به‌صراحت به درفش نظامی صفویان، رنگ و نقش آن اشاره نموده است:

«لوای سفیدش که افراختست — قزلباش را سرخ رو ساختست
زبان جنبدش، طوق نصرت نصیب — به نصر من الله و فتح قریب
(سنجر، ۱۳۸۷: ۴۴۹)

وحیدقزوینی نیز در کتاب *عباسنامه* که در شرح زندگی شاه عباس دوم به نگارش درآورده، به‌کرات از عباراتی همچون «رایات نصرت آیات» یا «اعلام نصرت شعار» سخن گفته که اشاره‌ای است بر نقش این درفش‌ها و طلب یمن و پیروزی از این آیات در میادین نبرد (وحیدقزوینی، ۱۳۲۹: ۲۲-۲۰ و ۱۸۹-۱۸۷) درفش‌های نصرت آیات به اندازه‌ای مهم شمرده می‌شدند که علاوه‌بر جنگ‌ها و پیکارها، گاه برای نشان‌دادن اقتدار حکومت و در موقعیت‌های حساس سیاسی همچون پذیرش سفرا و یا بازدید از مناطق استراتژیک مورد استفاده قرار می‌گرفتند (همان: ۹۴، ۵۷).

سند دیگر از رایت‌های نظامی در نقاشی‌های سردر قیصریه‌ی میدان نقش‌جهان اصفهان نهفته است. ساختمان سردر بازار در زمان سلطنت شاه عباس اول و به‌عنوان یکی از موقوفات شاه عباس برای پیغمبر اسلام (ص) و دوازده امام ساخته شده است (هنرفر، ۱۳۷۶: ۱۷۰؛ فلسفی، ۱۳۶۴، ج۳: ۸۷۸). گرچه عقیده بر این است که نقاش این صحنه‌ها، رضا عباسی بوده است ولی هیچ امضایی از وی در این تابلوها به‌دست نیامده‌است؛ با وجود این برخی قلم‌گیری‌ها به‌آثار رضا عباسی شباهت دارد (آژند، ۱۳۸۹: ۷۱۰). این تابلو با ابعادی حدود ۱۰× ۱۰× ۸/۵۵ متر بزرگترین نقاشی دیواری موجود در ایران است و گرچه اصل نقاشی متعلق به دوره‌ی صفوی و دوره‌ی حکومتی شاه عباس اول است، اما آثار تعمیرات و تغییرات طی دوران مختلف روی تابلو مشهود است (تصویر ۸). تابلو جبهه‌ی شمالی، به جنگ شاه عباس با ازبک‌ها اشاره دارد و در بخش میانی آن، نام شاه عباس روی پرچمی که در بالای سر وی، قرارگرفته، نوشته شده است. در این صحنه تعداد بسیار زیادی درفش نقش شده است که با توجه به گفته‌ی اروج‌بیک بیات[۴] نشان‌دهنده‌ی کثرت سپاهیان صفوی است (اروج‌بیک، ۱۳۳۸: ۴-۷۳). اکثریت درفش‌های تصویرشده بر سردر قیصریه، سه‌گوش و در حال اهتزاز نقش شده‌اند و حاشیه‌ای متفاوت با رنگ زمینه دارند. به‌استثنای دو درفش، مابقی درفش‌ها پس‌زمینه‌ای ساده و بدون تزیین یا نوشته دارند. بر روی یکی از این دو درفش که دارای نوشته هستند و در پشت سر شاه عباس نقش شده‌اند، عبارت «نصر من الله و فتح قریب» به خط نستعلیق نگاشته شده است که به‌استناد مدارک و اسناد متعدد، این عبارت بر روی درفش‌های جنگی صفوی استفاده می‌شده است. درفش دیگر از دو قطعه‌ی سه‌گوش که بر نیزه‌ای متصل شده‌اند، تشکیل شده و بر آن عبارت «یا علی» نقش بسته است.

از دوره‌ی صفویه درفشی سه‌گوش در دست است که تاریخ ۱۱۰۷ هـ‌ق. داشته و بافته‌ی یکی از کارگاه‌های کاشان بوده است. ابعاد این درفش ۸۹ ×۱۸۷×۱۷۹ سانتی‌متر است و در بخش مرکزی آن درون یک تُرنج، سوری مبارکی «نصر» و تاریخ ۱۱۰۷ هـ‌ق. به خط ثلث با زَر بافته شده است. در گوشه‌ی بالای درفش عبارت «انهم لهم المنصورون و جندنا لهم الغالبون» (سوره‌ی صافات، آیات: ۱۷۳-۱۷۲) و در گوشه‌ی مقابل عبارت «و کفی بالله وکیلا» (سوره‌ی احزاب، آیه: ۳) و در دو سوی

▲ **تصویر ۸. دیوارنگاره‌ی سردر قیصریه اصفهان. نبرد شاه عباس با ازبک‌ها (نگارنده، ۱۳۹۴).**

Archive of SID
www.SID.ir

دیگر عبارات «یا مفتح الابواب» و «یا رفیع الدرجات» و در درون‌ترنج کوچک‌تری نزدیک به زبانه‌ی درفش، شعری بدین مضمون آمده است:

«رایت فتح ابد کردند تاریخ شروع رایت نصر من الله بهر اتمامش علم»

و در درون آن «عمل العبد اسماعیل کاشانی» بافته شده است. تاریخ بافت پارچه‌ی درفش از جمله‌ی «رایت فتح ابد» و تاریخ پایانش از «رایت نصر من الله» به‌حساب جمل هر دو سال ۱۱۰۷ هـ‌ق. است. درفش مذکور با توجه به عبارت (رایت فتح) و آیات بافته شده بر آن، بی‌شک کارکرد نظامی داشته است (تصویر ۹).

در میان نگاره‌هایی که در دوره‌ی صفویه در نسخه‌های ارزشمند نقش شده، به‌کرات تصاویری مشاهده می‌شود که نگارگر، درفش دوره‌ی صفویه و نقوش و کتیبه‌های آن را به‌جای درفش اَبَرمَردان اسطوره‌ای برگزیده است که در این‌جا تنها به ذکر مواردی چند اکتفا می شود.

در برگی از نسخه‌ی *شاهنامه شاه طهماسب* که بی‌شک یکی از سترگ‌ترین آثار نگارگری شده دوره‌ی صفوی است و در نگاره نبرد اسکندر با فور هندی، نگارگر[۵] درفش اسکندر را با کتیبه‌ی «نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین، یا محمد یا علی» ترسیم کرده است (تصویر ۱۰)

همچنین در برگی از نسخه‌ی *خمسه‌نظامی* متعلق به سده‌ی ۱۰هـ‌ق. و در صحنه‌ی نبرد بهرام چوبین و خسرو پرویز، دو درفش سه‌گوش، یکی سفیدرنگ و با نقش سیمرغ و دیگری با حاشیه‌ای لاجوردی ترسیم شده که در مرکز آن کتیبه‌ای با آیه‌ی «نصر من الله و فتح قریب» دیده می‌شود. این درفش دارای سردرفشی با زبانه‌های دهن‌اژدری است که اسماء «الله، محمد و علی» برآن نقش بسته است (تصویر ۱۱).

بدین‌ترتیب متون و آثار برجامانده، همگی حکایت از کاربرد درفش‌های کتیبه‌ای با مضمون آیات قرآنی در پیکارهای دوره‌ی صفویه دارد که اشاره به فتح و پیروزی داشته و این امر نشأت‌گرفته از اعتقاد آنان مبنی بر برگزیده شدن از سوی خدا برای گسترش مذهب تشیع بوده است.

درفش‌های سوگواری و مذهبی دوره‌ی صفویه

یکی از عناصری که در دوره‌های مختلف اسلامی در مراسم سوگواری و تشیع پیکر درگذشتگان به‌ویژه اشراف، بزرگان و یا فرهیختگان استفاده می‌شد، لوای تعزیت و عزاداری بوده است، آن‌چنان‌که در ادبیات «علم تعزیت یا لوای تعزیت برافراختن» اصطلاحی رایج و نشانه‌ای برای اعلام رسمی برگزاری مراسم سوگواری بوده است. به‌همین‌دلیل در صحنه‌های سوگواری در نگاره‌ها، درفش‌های عزاداری دیده می‌شود. در این نگاره‌ها، درفش‌های سوگواری معمولاً سه‌گوش و با آیات قرآنی مرتبط با موضوع مرگ و بازگشت به‌سوی مرجع هستی هستند (تصویر ۱۲). البته در برخی موارد این درفش‌ها به‌صورت نواری‌شکل یا کَتَل‌مانند نیز دیده می‌شوند (تصویر ۱۳).

با به حکومت رسیدن صفویان، تشیّع، مذهب رسمی کشور شناخته شد و از آن به‌عنوان قوه‌ی محرکه برای متحد نمودن کشور، به‌ویژه در برابر دو همسایه‌ی شرقی و غربی، یعنی ازبک‌ها و عثمانی‌های اهل‌تسنن استفاده شد. نمود رسمی شدن تشیّع در دوره‌ی صفوی در بازسازی و نوسازی بقاع متبرکه به‌ویژه مقابر

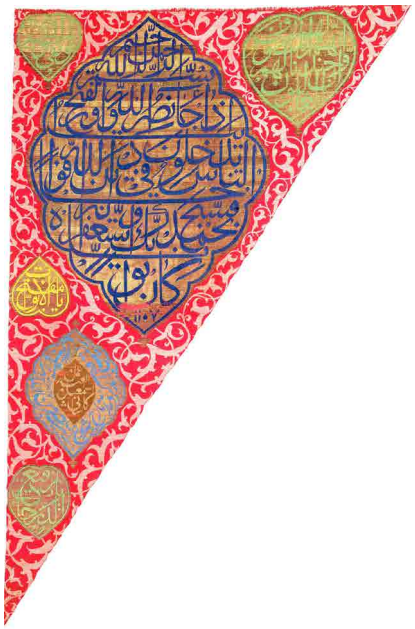

▲ تصویر ۹. درفش دوره‌ی صفوی با آیات قرآنی (www.metmuseum.org).

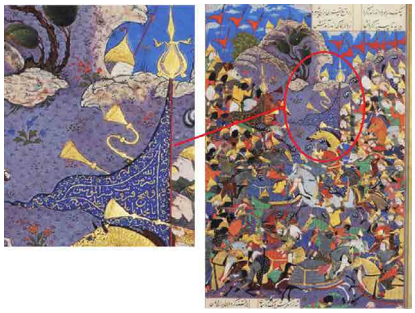

▲ تصویر ۱۰. شاهنامه‌ی شاه‌طهماسب، جنگ اسکندر با فور هندی، موزه‌ی هنرهای معاصر (شاهکارهای نگارگری ایران، ۱۳۸۴: ۳۰۱).

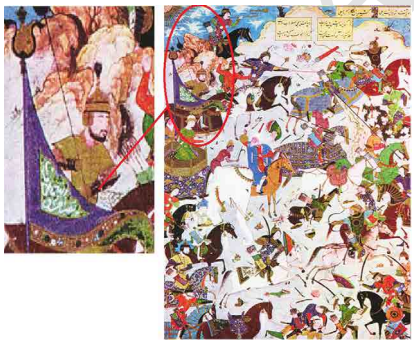

▲ تصویر ۱۱. خسرو و شیرین نظامی، ۹۴۷ هـ‌ق.، نبرد خسرو و بهرام چوبین (Mazaheri, 1961: fig.134).

Archive of SID

www.SID.ir

▲ تصویر ۱۲. منطق‌الطیر عطار، تشیع جنازه و آماده‌سازی گور، ۸۹۲ هـ.ق.، موزه‌ی متروپولیتن (metmuseum.org).

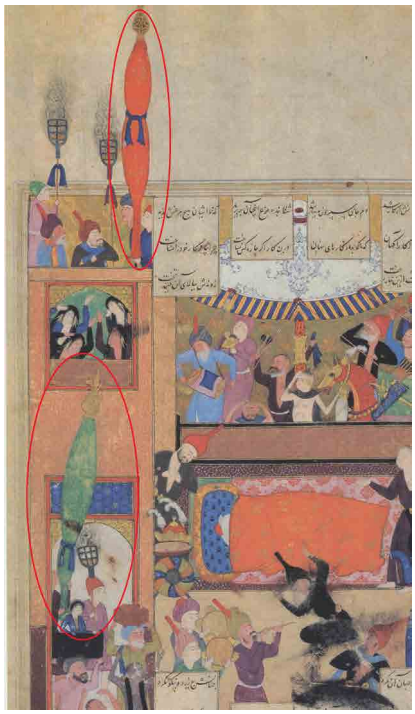

▲ تصویر ۱۳. خمسه‌ی نظامی، سده‌ی ۱۰ هـ.ق. مرگ اسکندر و سوگواری بر او (شاهکارهای نگارگری ایران، ۱۳۸۴: ۱۵۶).

امامان‌معصوم (ع) و امامزاده‌ها، احترام به‌اهل‌بیت نبوت (ص) و امامان معصوم (ع)، عزاداری و رثاء اهل‌بیت (ع) به‌ویژه سیدالشهداء (ع) و خاندان او و ذکر فاجعه‌ی کربلا به‌صورت گسترده، در همه‌جا به‌چشم می‌خورد. در همین راستا، درفش‌های ویژه‌ی سوگواری نیز که تا پیش از این دوره تنها در مراسم درگذشت و عزاداری بزرگان به‌کار می‌رفت، در مراسم سوگواری ائمه معصومین (ع) و به‌ویژه عزاداری سیدالشهداء (ع) به‌عنوان اشیائی مقدس مورد استفاده قرار گرفت.

درفش‌های ویژه‌ی مراسم عزاداری ائمه‌ی معصومین (ع)، به‌ویژه امام حسین(ع) در این دوره به‌چندین شکل مختلف بود. گاه علم و درفش افراخته شده بر فراز گنبد و بارگاه ائمه معصومین (ع) به‌عنوان شئ مقدس در خزانه نگهداری شده و تنها در موارد و مراسم خاص همچون سوگواری ائمه معصومین (ع) بیرون آورده شده و از آنان استفاده می‌شد، آن‌چنان‌که شاردن نیز در *سفرنامه‌ی* خود گفته: «بسیار مشتاق دیدار یک قطعه بسیار مقدس و سخت گران‌بها پیش مسلمانان که عَلَم حضرت امام حسین (ع) است، بودم. به ناظر گفتم: شنیده‌ام که یک چنین‌چیز مُقدسی در گنجینه، موجود می‌باشد. او در پاسخ اظهار داشت: می‌خواهید ایمان بیاورید! منظور این است که زیارت آن مستلزم تغییر مذهب است» (شاردن، ۱۳۴۵، ج.۸: ۲۷۴).

درفش‌های نواری، فرمی دیگر از درفش‌های مذهبی بود که پیش از این دوره در مراسم سوگواری بزرگان و اشراف به‌کار می‌رفت و در دوره‌ی صفوی گاه در مراسم عزاداری ائمه معصومین (ع) نیز استفاده می‌شد؛ آن‌چنان‌که آدام اولئاریوس[۶] نیز در سفرنامه‌ی خود تصاویری از درفش‌های خاص مراسم سوگواری ائمه معصومین (ع) آورده است (تصویر ۱۴). استفاده از درفش‌های نواری‌شکل در هر دو مراسم نشانه‌ی تأثیر و تأثر متقابل این دو مراسم بر یکدیگر بوده است.

نمونه‌ی دیگری از درفش‌های استفاده شده در مراسم عزاداری ائمه معصومین(ع) در دوره صفوی، کُتَل ها بوده است که حتی امروزه نیز از رایج‌ترین انواع درفش‌های عزاداری استفاده‌شده در این مراسم است. کُتَل‌ها، درفش‌های استوانه‌ای شکلی هستند با میله‌هایی بلند و سردرفش‌های ترنجی‌شکل که پارچه‌های رنگی(بیشتر به رنگ قرمز و سبز) دورتادور میله آنها پیچیده می‌شد.

در برخی نگاره‌های موجود در نسخ‌خطی دوره‌ی صفوی که با موضوع نبرد تصویر شده‌اند، درفش‌های کتل‌مانند در کنار دیگر انواع درفش‌های جنگی به چشم می‌خورد (تصاویر ۱۵ و ۱۶). گرچه این نگاره‌ها، به داستان‌های مختلفی اعم از حماسی یا اسطوره‌ای مرتبط هستند، اما نگارگران صفوی، بناهای درون نگاره‌ها را با تزیینات دوره خود تزیین کرده یا در بزم‌ها، ظروف و اشیاء رایج دوره‌ی صفوی را ترسیم نموده‌اند. آنان بر تن قهرمانان، ردا و دستار صفوی می‌پوشاندند و درفش آنان را با سردرفش‌هایی با نام «پنج تن آل‌عبا» تزیین می‌کرده‌اند؛ لذا استفاده از کتل‌ها در صحنه‌های نبرد بی‌شک با جنگ‌های صفویان با همسایگان سُنی مذهبشان، یعنی ازبک‌ها و عثمانی‌ها بی‌ارتباط نبود؛ چراکه ظاهر این نبردها از سوی هر دوطرف مخاصمه، با رنگ‌وبوی مذهبی نشان‌داده می‌شد. شعار صفویان در این نبردها، جهاد برای گسترش تشیّع و استیلا دادن آن بر مرزهای هم‌جوار بود؛ لذا در آرایش جنگی، علاوه‌بر درفش‌های معمول نظامی (که پیش از این ذکر انواع و چگونگی آن‌ها آمد)، از کتل‌ها نیز استفاده می‌شد تا باعث تهییج سربازان در به‌یادآوری دلیل مذهبی این نبردها باشد.

Archive of SID
www.SID.ir

گروه مهم دیگری از درفش‌های مذهبی، علم‌ها هستند. علم‌ها در عصر صفوی، از صفحه‌ای فلزی به‌شکل مدور یا ترنجی‌شکل ساخته شده و به تیغه‌ای باریک و بلند با تزیینات سراژدری، اسماء الهی و نام یا نشان سنتی پنج‌تن منتهی می‌شد. این علم‌ها نه‌تنها در مراسم عزاداری ائمه معصومین (ع)، بلکه در مراسم عزاداری افراد مختلف جامعه نیز برپا می‌شد؛ چنان‌که شاردن نیز به این نکته اشاره کرده و می‌آورد: «در اتاقی دیگر علم و علائم امامان وجود دارد که هنگام حمل جنازه افراد به دوش کشیده می‌شود (۱۳۴۵، ج.۸: ۲۸۵). این علم‌ها در خلال جنگ‌ها و نبردهای صفویان با همسایگانش به‌ویژه ترکان عثمانی نیز برای نشان‌دادن دلیل و منشاء مذهبی این نبردها، مورد استفاده قرار می‌گرفت. این نکته را نه‌تنها از حضور علم‌ها و سرعلم‌ها در نگاره‌های دوره‌ی صفوی با مضمون نبرد؛ بلکه از علم‌های به غنیمت گرفته شده از سپاه صفویان که امروزه در موزه‌ی توپقاپی‌سرای نگهداری می‌شود، می‌توان دریافت. علم‌های یاد شده از جمله غنایم جنگی است که پس از تصرف تبریز توسط سپاهیان عثمانی شاه سلیم به استانبول منتقل شد. به غنیمت گرفته شدن این اعلام در جنگ، نشانه‌ی آن است که صفویان نبرد با عثمانی‌های اهل تسنن را بیشتر به‌صورت جنگی مذهبی نشان می‌داده‌اند و نه جنگی سیاسی (تصویر ۱۷).

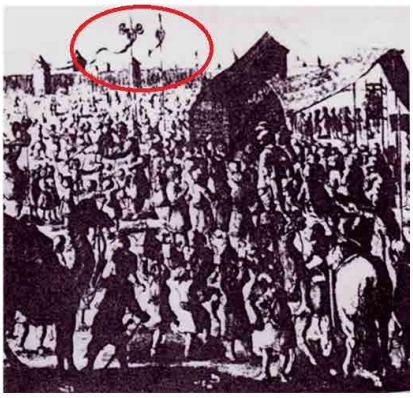

▲ تصویر ۱۴. سفرنامه‌ی اولئاریوس، درفش‌های مراسم عزاداری ائمه‌ی معصومین و مراسم تدفین (اولئاریوس، ۱۳۶۳: ۷۵).

درفش‌های تجاری

در دوره‌ی صفوی با نظارت و حمایت دولت از هنرها و صنایع، وضعیت اصناف، بهبود کیفی و کمی یافت و تغییرات اساسی در پیشرفت تجارت صورت گرفت. شاه عباس با گسترش روابط دیپلماتیک با نقاط مختلف دنیا، به‌ویژه اروپا، راه را برای مبادلات تجاری بین‌المللی گشود. مهیا نمودن بسترهای مبادلات بین‌المللی، استقبال از تجار اروپایی و فرستادن تجار ایرانی به اقصی نقاط دنیا از سیاست‌هایی بود که در زمان شاه عباس اول بنیان آن نهاده شده و موجب سرازیر شدن سود سرشاری به خزائن دولت گردید.

شاه عباس اول بر جزئی‌ترین مسائل تجاری نظارت دقیق داشت و از آن‌جایی‌که یکی از اصول سیاست‌گذاری‌های خارجی وی، نشان‌دادن عظمت و اقتدار حکومت صفوی بود، هیأت‌های تجاری در آن سوی مرزها از درفشی که هم‌زمان نمایانگر ملیت و اقتدار ایرانی باشد، استفاده می‌کردند. متأسفانه از درفش‌های تجاری دوره‌ی صفوی نسبت به دیگر انواع درفش این دوره اطلاعات و مدارک اندک‌تری موجود است. یکی از ارزشمندترین مدارک مرتبط با این موضوع، گزارش جمال‌زاده از دو پرده‌ی ابریشمی است که در موزه‌ی دریایی کرونبورگ وجود دارد و پیش از این نیز ذکر آن رفت. وی در شرح سفر خود و پرچم‌های بافته شده بر این دو پرده‌ی ابریشمی، از پرچم تجاری ایران نیز سخن رانده و آن را بدین‌ترتیب توصیف می‌نماید: «درفشی است چهارگوش که درون دایره‌ی گوشه‌داری که در مرکز آن قرار گرفته، یک شیر نقش شده است» (جمال‌زاده، ۱۳۴۴: ۱۱)، (تصویر ۱۸). بافت پرچم تجاری در کنار رایت‌های حکومتی و پرچم شاه، نشان‌دهنده‌ی اهمیت آن بوده است؛ آن‌چنان‌که بر قطعه پارچه‌ای که به این دوره متعلق است، تصویر کِشتی با درفش‌های در حال اهتزاز نقش شده است (تصویر ۱۹)

▲ تصویر ۱۵. دیوان اشعار امیرخسرو دهلوی، کشته شدن عَمر بن عبدود به‌دست حضرت علی (ع)، ۱۰۱۷ هـ.ق.، (art.thewalters.org).

Archive of SID

www.SID.ir

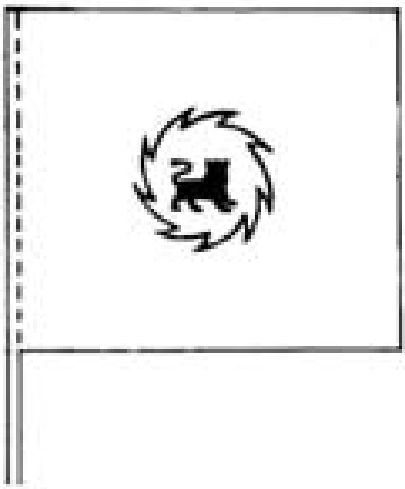

▲ تصویر ۱۸. درفش‌های موزه‌ی کرونبورگ، درفش تجارتی (جمال‌زاده، ۱۳۴۴: ۱۳).

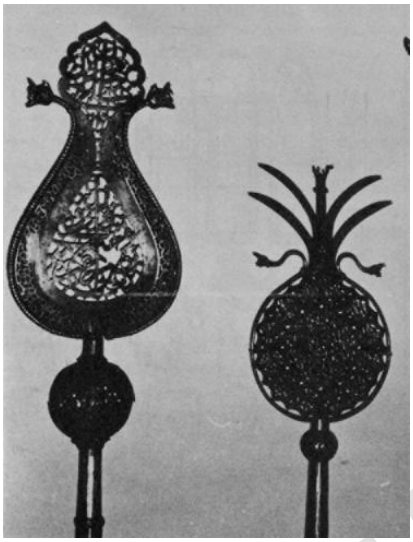

▲ تصویر ۱۷. عَلَم‌های مذهبی و فولادی دوره‌ی صفوی، موزه‌ی توپ قاپی‌سرا (Calmard & Allan, 1985: 785-791).

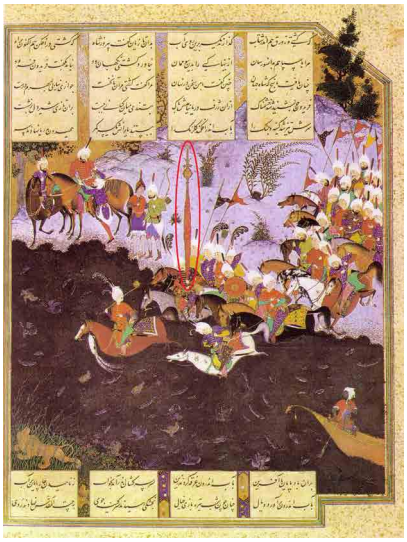

▲ تصویر ۱۶. شاهنامه‌ی فردوسی - گذر فریدون و سربازانش از دریا (کورکیان، سیکر، ۱۳۷۷: تصویر ۳۲).

در برخی از نگاره‌های نسخ‌خطی این دوره که کِشتی‌ها در دریا تصویر شده‌اند، نیز می‌توان شاهد برافراشته بودن پرچم‌هایی چند بربالای دکل‌مرکزی و یا جلوی کشتی بود. با توجه به آن‌که بخش مهمی از تجارت بین‌المللی ایران با سایر سرزمین‌ها از طریق بنادر جنوب و از راه دریایی صورت می‌گرفته است؛ به‌نظر می‌رسد همچون امروز، استفاده از درفش برای مشخص نمودن هویت کشتی‌های تجاری، امری رایج بوده است (تصاویر ۲۰ و ۲۱). وجود درفش‌های تجاری در دوره‌ی صفوی دال‌بر پدید آمدن کارکردی نوین برای درفش در دوره‌ی اسلامی است که مرتبط با نهادهای اقتصادی و بازرگانی سازمان داده شده است. مطالعه بر روی درفش‌های تجاری در دوره‌ی اسلامی تاکنون در مطالعات این حوزه مغفول مانده و در هیچ پژوهشی بدان اشاره‌ای نشده است.

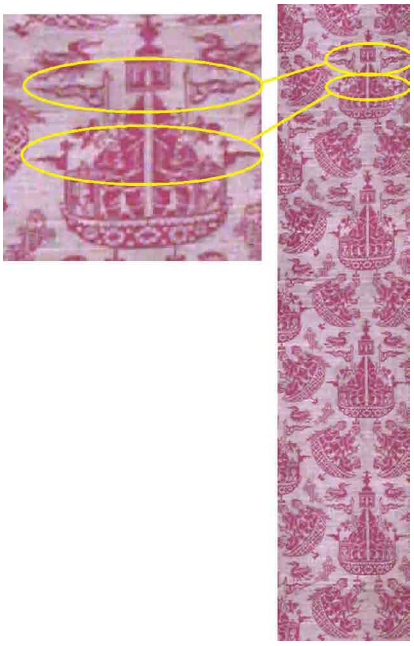

▲ تصویر ۱۹. قطعه پارچه‌ی دوره‌ی صفوی، درفش تجارتی، موزه‌ی متروپولیتن (metmuseum.com).

درفش‌های سلطنتی

علاوه‌بر رایت‌های رسمی و حکومتی، شاه و شاهزادگان بلند مرتبه‌ی دربار صفوی نیز دارای درفش ویژه‌ی خود بوده‌اند. کمپفر در مورد درفش اختصاصی و شخصی پادشاه صفوی می‌آورد: «قسمت واقعی ملازمان تحت سرکردگی عَلَم‌دار است که همواره حضور شاه را اعلام می‌دارد... او که در طرف راست قرار می‌گیرد، عَلَمی را که نشانه‌ی حضور شاه است، حمل می‌کند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۳۲، ۲۳۹). به‌نظر می‌رسد که شاه صفوی درفش خود را در همه‌ی موارد حتی به‌هنگام شکار نیز به‌همراه داشته است؛ آن‌چنان‌که قاسمی‌گنابادی می‌گوید:

به فصلی چنین شاه عالم‌مدار — برافراخت رایت به عزم شکار

(قاسم‌گنابادی، ۱۳۸۷: ۲۴۰)

دومین درفشی که جلال‌زاده از موزه‌ی کرونبورگ گزارش داده، درفشی منتسب

Archive of SID

www.SID.ir

به «شاه» است که دارای ۵ ردیف بوده و بر روی هر یک از این بخش‌ها تصاویری از هلال، ستاره و صلیب بافته شده و در کنار آن عبارت «درفش شاه» آمده است (تصویر ۲۲ الف). وی همچنین از درفشی موسوم به «شاهزاده» نام برده که چهارگوش با متن سفید بوده و در مرکز آن سه پیکره‌ی شیر سیاه، دو شیر در بالا و شیر سومی در زیر آن واقع شده است و در کنار این درفش به زبان فرانسوی نوشته شده است: «درفش شاهزاده» (جمال‌زاده، ۱۳۴۴: ۱۱)، (تصویر ۲۲ ب).

درفش‌های قومی و محلی

از دیرباز قبایل و اقوام مختلف دارای درفش‌های مخصوص خود بوده‌اند و این روند همچنان تا طلیعه‌ی دولت صفوی ادامه داشته است. مثال روشن و شناخته شده‌ی این مسئله، درفش‌های دو طایفه‌ی مهم ترکمن یعنی «آق‌قویونلو» (گوسفند سپیدان) و «قراقویونلو» (گوسفند سیاهان) بود که بر اساس نوشته‌ی مورخان و سفرنامه‌نویسان، تصاویر موجود بر درفش هر یک از این دو طایفه (گوسفند سپید و یا سیاه)، دلیل نام‌گذاری این دو قبیله بوده است (اروج‌بیک، ۱۳۳۸: ۳۶۵؛ کنتارینی، ۱۳۴۹: ۲)، (Quiring, 1986: 163).

در رابطه با درفش‌های قومی و محلی دوره‌ی صفوی، کمپفر در *سفرنامه‌ی* خود می‌آورد: «روز عید قربان پس از ذبح شتر و تقسیم گوشت مردم به دور بیرق‌های خود جمع شدند و سهم قربانی خود را که سواری آن را جلوی خود روی اسب گذارده بود به‌طرف محله‌ی خود بردند» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۳۶)؛ گفته‌ی کمپفر نشانه‌ی آن‌ست که هر محله رایت‌های مخصوص خود داشته و یا محله‌هایی با تجمع قومی یا قبیله‌ای خاص (به‌طور مثال، محله‌ی تبریزی‌ها یا قزوینی‌ها) وجود داشته که هر یک دارای درفش مخصوص به خود بوده‌اند. در هر حال، در هیچ متن و یا اثری به نقش یا نوشته‌ی این نوع درفش‌ها اشاره‌ای نشده است.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی متون و آثار برجامانده از دوره‌ی صفوی حاکی از وجود پرچم‌های مختلف با کارکردهای متفاوت می‌باشد. مهم‌ترین گروه درفش‌ها از نظر کارکرد؛ رسمی حکومتی، نظامی، مذهبی، تجاری، سلطنتی و قومی-محلی بوده است. از آن‌جایی‌که نقش روی پرچم‌ها می‌بایست رساننده‌ی پیام و ایدئولوژی دارندگانش به بینندگانش باشد، سعی بر آن بود که نقوش و تصاویر پرچم‌ها، متناسب با کارکرد آن‌ها در نظر گرفته شود. یکی از مهم‌ترین گروه درفش‌ها در این دوره، درفش‌های رسمی و حکومتی است. این درفش‌ها با نقش شیر و خورشید به‌عنوان نماد سعادت، بهروزی، قدرت و با فرم سه‌گوش یک یا دو زبانه و یا چند پره بودند. درفش‌های رسمی برای روابط دیپلماتیک و بین‌الملل به اهتزاز در می‌آمد تا نشان‌دهنده‌ی اقتدار و عظمت حکومت صفوی باشد. درفش‌های رسمی حکومت با درفش‌های سلطنتی که مخصوص شاه و شاهزادگان بلندمرتبه بود، تفاوت داشت. درفش‌های سلطنتی برای اعلام حضور شاه و شاهزادگان در مراسم مختلف رزم، بزم یا حتی شکار استفاده می‌شد و حمل آن بر عهده‌ی عَلَم‌داباشی بود که از نظر اجتماعی، جایگاه والایی داشت.

▲ **تصویر ۲۰. شاهنامه‌ی فردوسی، سال ۹۹۸ هـ.ق. کیخسرو عجائب دریا را می‌بیند، دانشگاه پرینستون** (www.etcweb.princeton.edu).

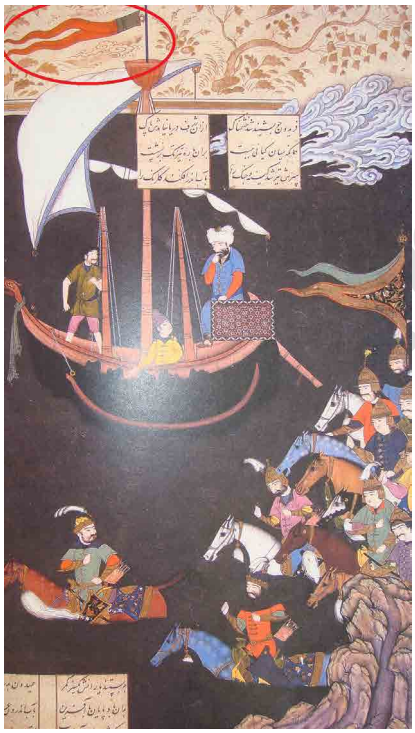

▲ **تصویر ۲۱. شاهنامه‌ی فردوسی، گذشتن فریدون از دریا، شاهنامه‌ی فردوسی** (Welch, 1976, fig. 36).

Archive of SID

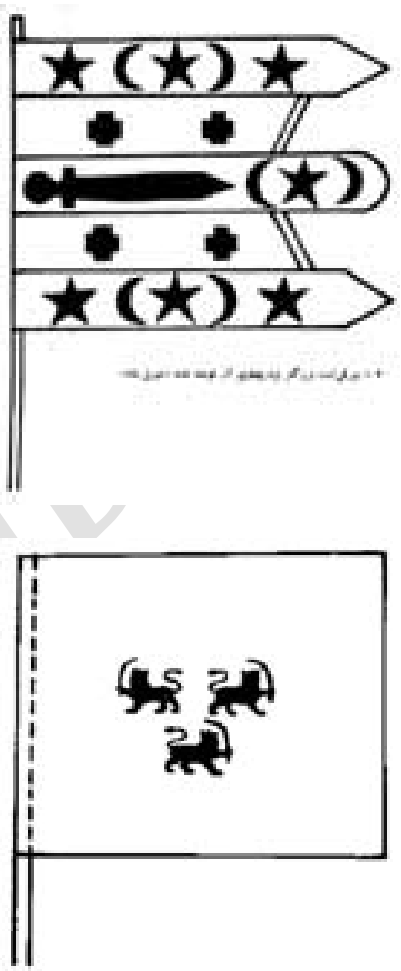

▲ تصاویر ۲۲ الف و ب. درفش شاهزاده (جمال‌زاده، ۱۳۴۴: ۱۱-۱۰).

پرچم‌های ویژه‌ی سوگواری در دوره‌های مختلف برای اِعلام مراسم سوگواری بزرگان و دولت‌مردان استفاده می‌شد، اما با رسمی شدن آیین تشیّع، این پرچم‌ها برای مراسم عزاداری ائمه‌ی معصومین (ع) به‌ویژه مراسم عزاداری امام حسین(ع) نیز به‌کار گرفته شد. این درفش‌ها نیز به‌صورت سه‌گوش یا کتل‌مانند و نواری تهیه می‌شد. از آن‌جایی‌که بیشتر منازعات صفویان با حکومت‌های غیر شیعی و به بهانه‌ی گسترش تشیّع و مبارزه با پیش‌رَوی تسنن صورت می‌گرفت، به‌منظور جلب حمایت بیشتر مردمی، تهییج هرچه بیشتر سربازان و یادآوری و تأکید بر این رسالت، از پرچم‌های مذهبیِ در صحنه‌های نبرد نیز استفاده می‌شد؛ لذا دیگر درفش‌های نظامی نیز عمدتاً با ظاهری مذهبی و با نقش ذوالفقار حضرت علی(ع) یا آیات و عبارات قرآنی و اسماء الهی تهیه می‌شد تا بدین‌ترتیب با امداد نیروهای الهی، پیروزی در این نبردها با سهولت بیشتری امکان‌پذیر باشد.

افزایش و توسعه‌ی روابط اقتصادی و تجاری با همسایگان یا دیگر دول؛ حضور پُررنگ درفش‌های تجاری در این دوره را توجیه می‌نماید. این درفش‌ها در رأس هیأت‌های تجاری یا کِشتی‌های مخصوص حمل کالاها و محموله‌ها قرار می‌گرفت و عمده‌ی نقش آن‌ها به‌دلیل ارتباطات خارجی، همچنان نماد شیر و خورشید بود. در اسناد و متون دوره‌ی صفوی به‌وجود درفش‌های قومی و محلی اشاره شده است، اما متأسفانه به‌دلیل کمبود اسناد و مدارک، از جزئیات آن‌ها اطلاع گسترده‌ای در دست نیست، تنها می‌توان استفاده از نقوش سنتی و بومی مناطق را بر روی این درفش‌ها محتمل دانست.

گرچه درفش‌های این دوره با پارچه‌هایی اعلاء و به رنگ‌های مختلف تهیه می‌شد، اما درفش‌هایی با کارکرد ویژه، عمدتاً پس‌زمینه‌ی سفید، قرمز و یا سبز داشتند. فرم و شکل کلی پرچم‌ها نیز مرتبط با کارکرد آن‌ها انتخاب می‌شد. درفش‌های مثلثی‌شکل برای پرچم‌های حکومتی، نظامی و گاه مذهبی به‌کار گرفته می‌رفت. درفش‌های نواری، ویژه‌ی پرچم‌های سوگواری یا تجاری بود و کتل‌ها هم برای مقاصد مذهبی (ولو در جنگ‌ها) به‌کار گرفته می‌شد.

استفاده از عنصر پرچم (به‌شکل دسته‌ی موی) در تزئین بخش فوقانی سردرفش‌ها که در دوره‌های ایلخانی و تیموری به‌عنوان عنصری شاخص مطرح بود، در دوره‌ی صفوی به‌تدریج و به مرور زمان کم‌رنگ‌تر شد ولی در برابر سردرفش‌ها، به‌عنوان یکی از عناصر متشکله‌ی درفش با ظهور سلسله‌ی صفوی و رسمی شدن مذهب تشیّع، اهمیت بیشتری یافته و ویژگی نمادین بودن آن گسترش یافته و به‌عنوان جایگاه مناسبی برای اظهار اعتقاد به تشیّع، انتخاب شد، به‌وجهی که بر روی سردرفش‌های بسیاری از دوره‌ی صفوی که بیشتر به‌صورت ترنجی‌شکل ساخته می‌شد، در کنار نام خدا و پیامبر اکرم (ص)؛ نام حضرت علی (ع) و ائمه‌ی معصومین (ع) نیز حک می‌شد. این امر تا بدان‌جا پیش می‌رود که حتی در نگاره‌های نسخ‌خطی با موضوعات اساطیری، پهلوانی یا تاریخی مربوط به پیش از اسلام نیز درفش‌هایی با نام «الله»، «محمد (ص)» و «علی (ع)» به‌وفور به‌چشم می‌خورد و این امر جای بسی تأمل دارد.

Archive of SID
www.SID.ir

پی‌نوشت

۱. پرچم، به دسته‌ی موی گاو تبتی، موسوم به «یاک» گویند که مغولان از موی این گاو ریشه‌هایی برای سرنیزه و درفش می‌ساختند. این عنصر با ورود مغولان به فرهنگ ایران وارد شد تا جایی که نام این جز از درفش، به‌تدریج بر تمامی درفش‌ها اطلاق شد؛ آن‌گونه که امروزه ایرانیان درفش‌های خود را پرچم می‌نامند (برای اطلاعات بیشتر ر. ک. به: پور داوود، ۱۳۳۳: ۳-۲۸۷).

۲. سفرنامه توماس هربرت که در سال ۱۰۳۸ هـق. با سر رابرت شرلی به ایران آمد، حاوی مطالب و تصاویر ارزشمندی بود که در قرن ۱۷ م. و پس از آن بارها در اروپا به چاپ رسید.

۳. میرزا قاسم قاسمی گنابادی از شعرای سده‌ی ۱۰ هـق. از ملازمان دربار شاه اسماعیل و سپس شاه تهماسب صفوی بود. *اسماعیل نامه، شاهنامه‌ی نواب عالی و شاهرخ‌نامه* از آثار اوست (درودگریان، ۱۳۸۸: ۴-۲) .

۴. اروج‌بیک پسر سلطان علی بیک از سرداران معروف قزلباش و از طایفه‌ی کُرد بیات که به‌سمت منشی اول سفارت ایران به اسپانیا رفت و در آن‌جا به دین مسیحیت درآمد (بیات، ۱۳۷۴، ۶۸).

۵. این نگاره به عبدالوهاب منتسب شده است (شاهکارهای نگارگری ایران، ۱۳۸۴: ۳۰۰).

۶. آدام اولئاریوس (Adam Olearius) منشی سفیری است که در زمان شاه صفی (۱۰۳۸ تا ۱۰۵۲ هـق.) از جانب دوک هلشتاین به روسیه و ایران آمد.

کتابنامه

– اروج‌بیک، بیات، ۱۳۳۸، *دون ژوان ایرانی*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: بنگاه‌ترجمه و نشر کتاب.

– اولئاریوس، آدام، ۱۳۶۳، *سفرنامه‌اولئاریوس (بخش ایران)*، ترجمه: احمد بهپور، تهران: ابتکار.

– آژند، یعقوب، ۱۳۸۹، *نگارگری ایران*، ۲ ج، تهران: سمت.

– بختورتاش، نصرت الله، ۱۳۴۸، *پرچم و پیکره شیر و خورشید*، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی.

– بیانی، خانبابا، ۱۳۵۳، *تاریخ نظامی ایران، جنگ‌های دوره صفویه*، تهران: انتشارات ستاد بزرگ ارتشتاران.

– پورداوود، ابراهیم، ۱۳۳۱، *پرچم، در هرمزد نامه*، تهران: انجمن ایرانشناسی.

– تاورنیه، ژان باپتیست، بی‌تا، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه: ابوتراب نوری، تهران: کتابخانه سنایی.

– جمال‌زاده، محمد علی، ۱۳۴۴، «بیرق‌های ایران در دوره صفویه»، *هنر و مردم*، دوره ۴، ش ۳۹ و ۴۰، صص ۱۳-۱۰.

– درودگریان، فرهاد، ۱۳۸۸، «شاهنامهٔ نواب عالی و قاسمی گنابادی»، *کتاب ماه ادبیات*، ش ۱۳۹، صص ۸۳-۷۴.

– ذکاء، یحیی، ۱۳۵۰، *ارتش شاهنشاهی ایران از کوروش تا پهلوی*، تهران: شورای ارتش.

– ستاری، جلال، ۱۳۸۲، «رمز شیر و خورشید»، *پل فیروزه*، سال ۲، ش ۷، صص ۱۸۱-۱۷۹.

– سنجر کاشانی، محمد هاشم بن حیدر، ۱۳۸۷، *دیوان سنجر کاشانی*، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

– شاردن، ژان، ۱۳۴۵، *سیاحتنامه شاردن*، ترجمه: محمد عباسی، ج ۴، ۷، ۸ و ۹، تهران: امیر کبیر.

– شاطری، میترا، ۱۳۷۹، «درفش و پیشینه‌ان در ایران»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد رشته باستان‌شناسی، راهنما: محمدحسن سمسار، دانشگاه تهران، (منتشر نشده).

–*شاهکارهای نگارگری ایران*، ۱۳۸۴، تهران:: انتشارات موزه هنرهای معاصر.

Archive of SID

www.SID.ir

– صابی، ابوالحسن هلال بن محسن، ۱۳۴۶، *رسوم دارالخلافه*، ترجمه: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
– فلسفی، نصر الله؛ ۱۳۶۴، *زندگانی شاه عباس اول*، ج اول، دوم، سوم، تهران: انتشارات علمی .
– قاسمی گنابادی، محمد قاسم، ۱۳۸۷، *شاه اسماعیل نامه*، تهران:: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
– کسروی تبریزی، احمد، ۱۳۰۹، *تاریخچه شیر و خورشید*، تهران: مؤسسه خاور.
– کمپفر، انگلبرت، ۱۳۶۳، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه: کیکاوس جهانداری، تهران؛ خوارزمی.
– کورکیان، ا.م، و سیکر، ژ.، ۱۳۷۷، *باغ‌های خیال (هفت قرن نگاره ایران)*، تهران: فروزان روز.
– مشیری، محمد، ۱۳۵۱، *راهنمای گردآوری سکه ۲*، تهران: گوتنبرگ.
– نفیسی، سعید، ۱۳۲۸، *شیر و خورشید*، بی‌جا.
– نیر نوری، حمید، ۱۳۲۸، *تاریخچه بیرق ایران و شیر و خورشید*، تهران: دانشگاه تهران.
– نیر نوری، حمید، ۱۳۴۴، «تاریخچه تحول پرچم ایران»، مجله *اطلاعات ماهانه*، سال دوم، ش ۲ و ۳، صص ۷۴-۶۱.
– وحید قزوینی، محمد طاهر؛ ۱۳۲۹، *عباسنامه*، اراک: کتابفروشی داوودی.
– هنرفر، لطف الله، ۱۳۷۶، «برج قوس، طالع شهر تاریخی اصفهان»، *وقف میراث جاویدان*، ش ۱۹و ۲۰، صص ۱۷۱-۱۷۰.

– Blochet, E 1926. Les Enluminures des Manuscrits Orientaux de la Bibliothèque National, Paris.
– Calmard, J., Allan, J. W. 1985. Alam Va Alamat, Encyclopædia Iranica, Vol. I, pp. 785-791.
– Chardin, J 1928. Voyages du Chevalier Chardin en Perse et Autres Lieux de l'Orient , Paris.
– Foster, W 1899. The Embassy of Sir Thomas Roe to the Court of the Great Mogul, 1615-1619, Edited from Contemporary Records. Hakluyt-Society 2nd Series II. London.
– Handschrift, Berliner 1928. Schahname, das Persische Konigsbuch, Leipzig und Weimar.
– Herbert, T 1928. Travels in Percia1627-1629, London, Foster.
– Lane Poole, S 1892. Coins of the Moghul Emperors of Hindustan. London, P. lxxx.
– Mazaheri, A 1961. Les Tresors de la l' Asie, Collection Etablie et Drigee par Albert Skira, Skira.
– Shahbazi, Sh 1999. Flags, Encyclopaedia Iranica, Vol. X, Fasc. 1, pp. 12-27
– Welch, A 1976.Artists for the Shah (Late Sixteenth – Century Painting at the Imperial Court of Iran), Yale University Press, London,.
- WWW.etcweb.princeton.edu/shahnama
- WWW.art.thewalters.org
- WWW.etcweb.princeton.edu
- WWW.metmuseum.org

Archive of SID
www.SID.ir